



Quranic-Hadith Examination of the Economic Ideologies of Ayatollah Khamenei (May his shadow last long) Regarding the Goods Distribution with Emphasis on the Resistance Economy *

Mohammad Sharifati¹

Abstract



This article, using a descriptive-analytical method and library resources, examines the Quranic foundations of Ayatollah Khamenei's economic ideologies regarding the goods distribution, with an emphasis on the resistance economy. It emphasizes that economic justice and social justice are important indicators of the resistance economy in society, and according to the Supreme Leader, the country's economic progress must be accompanied by justice. The results of this article indicate that fair wealth distribution across the country economically affects politics and culture. Executive measures for distribution mentioned in the Supreme Leader's statements include monitoring and controlling economic activities, preventing rampant smuggling and imports, and eliminating unnecessary intermediaries. In Islamic economic teachings, the rejection of intermediaries is emphasized through prohibitions such as prohibiting middlemen from profiting and prohibiting urban representation of rural areas. Hoarding, underselling, exploitation, and administrative corruption are obstacles to fair wealth distribution. Additionally, low wages, lack of sufficient oversight, and failure to seriously address offenders are causes and factors of administrative corruption that require strengthening and revitalizing religious and moral values and cleansing the administrative system of corrupt individuals.

Keywords: Economy, Resistance Economy, Quran, The Supreme Leader.

*. Date of receiving: 17/12/2023, Date of approval: 23/01/2024.

1. Associate Professor and Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University of Tehran, Tehran, Iran: sharifani40@yahoo.com.



مبانی قرآنی اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) در مبحث توزیع کالا با تأکید بر اقتصاد مقاومتی*

محمد شریفانی^۱



چکیده

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به بررسی مبانی قرآنی اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) در مبحث توزیع کالا با تأکید بر اقتصاد مقاومتی می‌پردازد؛ به این ضرورت که عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است و از نظر مقام معظم رهبری پیشرفت اقتصادی کشور باید همراه با عدالت باشد. نتایج این مقاله بیانگر این است که توزیع عادلانه ثروت در سراسر کشور موجب تأثیرات اقتصادی بر سیاست و فرهنگ می‌شود. از راهکارهای اجرایی توزیع در کلام مقام معظم رهبری باید به نظارت و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی، قاچاق و واردات بی‌رویه کالا و حذف واسطه‌های غیر ضروری اشاره کرد. در آموزه‌های اقتصادی اسلام، نفی واسطه‌گری با عناوینی مانند نهی از تلقی رُکبان و ممنوعیت نیابت شهری از روستایی به کار رفته است. احتکار، کم‌فروشی و اجحاف و فساد اداری از موانع توزیع عادلانه ثروت است. همچنین پایین بودن سطح حقوق و دستمزد، فقدان نظارت کافی و عدم برخورد جدی با متخلفین از علل و عوامل فساد اداری است که برای از بین بردن آن باید از راهکارهای تقویت و احیای فرهنگ دینی و ارزش‌های اخلاقی و پاکسازی نظام اداری از افراد فاسد استفاده کرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد مقاومتی، قرآن، مقام معظم رهبری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲.

۱. دانشیار و هیئت علمی دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران: sharifani40@yahoo.com.



مقدمه

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در پی آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارهای اقتصادی موجود از طریق ایجاد نهادهای اقتصادی با رویکرد انقلابی و جهادی می‌باشد که در واقع بخشی از آموزه‌های اقتصادی نظام اسلامی است که بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، در شرایط فشار، تحریم و خصومت‌های شدید، می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.

این اقتصاد از یک سو مولفه‌های رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی را ارائه می‌دهد و از سوی دیگر، شیوه‌ها و عناصر مقابله با تحریم‌های خصمانه بیگانگان با اسلام و نیز برخورد با مفسد داخلی و سالم‌سازی آن، با فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند و بستر لازم جهت رشد معنوی و سعادت ابدی انسان را فراهم می‌سازد.

روش این مقاله توصیفی - تحلیلی و ابزار آن کتابخانه‌ای است. سؤالاتی که این مقاله در پی پاسخگویی به آن است عبارتند از:

مبانی قرآنی اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای در توزیع عادلانه ثروت در سراسر کشور چگونه است؟ راهکارهای اجرایی توزیع و موانع آن کدام است؟

در زمینه مبانی قرآنی اقتصاد به صورت کلی و مبانی قرآنی اقتصاد مقاومتی به صورت جزئی تر مطالب متعددی نگاشته شده اما در مورد مبانی قرآنی اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) ناظر به اقتصاد مقاومتی، مقاله‌ای یافت نشد بدین صورت این مقاله در پی پرداختن به این موضوع است.

درباره مبانی قرآنی اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) با تأکید بر اقتصاد مقاومتی موارد مختلفی می‌توان بیان کرد که در حد توان این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

الف. توزیع عادلانه ثروت در سراسر کشور

در دنیای امروز که ابزار تولید و توزیع پیشرفت کرده است، روابط اقتصادی به شدت پیچیده شده است. هر کشوری برای بهبود وضع اقتصادی خود تلاش می‌کند، به طوری که هر روز عرصه را برای رقیبان تنگتر می‌سازد. اهمیت این امر زمانی مشخص می‌شود که تأثیرهای اقتصادی را بر سیاست و فرهنگ مشاهده نماییم. در جامعه جهانی امروز کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، ناچار در مواردی مجبور است زیر بار تهاجم سیاسی و فرهنگی صاحبان اقتصاد باشد.

در این بین توزیع عادلانه ثروت در هر کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. خداوند در این خصوص می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ

وَرَسُولُهُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (انفال: ۱). «ای رسول ما امت از تو حکم انفال را سؤال می‌کنند (یعنی غنایمی که بودن جنگ از دشمنان به دست مسلمانان آید و زمین‌های خراب بی‌مالک، معادن، بیشه‌ها، فراز کوه‌ها، کف رودها، ارث کسی که وارث ندارد، قطایع ملوک، خلاصه ثروتی که بی‌رنج مردم حاصل شود) جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است که رسول و جانشینانش به هرکس و هر قدر صلاح دانند ببخشند. پس شما مؤمنان باید از خدا بترسید و در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بکوشید و خدا و رسول او را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید».

بنابراین قرآن کریم به این موضوع اهمیت ویژه‌ای داده است و با عنوان «فیء» و «انفال» از آن یاد کرده و فرموده است: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) هدف آن است تا ثروت در دست ثروتمندان جامعه دست‌به‌دست نشود و نگردد. آیه بیانگر این است که هرگونه مدیریت اقتصادی که منجر به گردش ناسالم اقتصاد و سرمایه شود و تنها طبقات خاص اجتماعی از ثروت جامعه بهره‌مند شوند، عملی برخلاف اصول اقتصادی اسلام است؛ زیرا این‌گونه مدیریت، مدیریت ناسالم، ستم‌گرانه و مصداق بارز و آشکار بی‌عدالتی قسطی است.

علامه طباطبایی در این زمینه بیان کرده است که «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» یعنی حکمی که ما درباره مسئله «فیء» کردیم، تنها برای این بود که این‌گونه درآمدها موجب «دولت یعنی دست‌به‌دست شدن» میان اغنیاء و ثروتمندان نشود، و «دولت»، آن چیزی است که در بین مردم (ثروتمند) متداول باشد و دست‌به‌دست گردد (طباطبایی، ۱۳۶۵: ۳۹/۴).

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنا بشود. به آن شاخص‌ها هم متوجه می‌شود اما بر محور هم کار می‌شود. عدالت محور است یعنی تنها به شاخصه‌های اقتصاد سرمایه‌داری مثل رشد علمی تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند. خرید جنس داخلی یک ضرورت است برای مقاوم سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تاثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد این نقش همه مردم است». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۹۴/۱۰/۳۰).

ایشان در این زمینه می‌فرماید: پیشرفت اقتصادی کشور باید همراه با عدالت باشد. ما اقتصاد من‌های عدالت را قبول نداریم یعنی انقلاب قبول ندارد. نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد، باید مراقبت کنید که فاصله‌ی طبقاتی پیش نیاید. فقرا پایمال نشوند. اینها جزء مسائل اساسی در برنامه‌های کلان اقتصادی ما است. همین مسأله عدالت و تأمین حداقلها در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دیده شده است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۹۴/۶/۴).



همت خود را متوجه استقرار عدالت و جانبداری از محرومان و اجرای احکام اسلام ناب و تقویت وحدت و عزت ملی و توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های عظیم کشور و صراحت در بزرگداشت ارزشها و مبانی انقلاب اسلامی نمایید و مطمئن باشید که ملت غیور و شجاع، خدمتگزاران کشور را در دشواریها و در مقابله با زورگوییها و زیاده‌خواهی‌های استکبار تنها نخواهند گذاشت. (مقام معظم رهبری، متن حکم تفیذ دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۹۶/۵/۱۲).

مسئله معیشت طبقات ضعیف مهم است. مردم از لحاظ معیشت دچار مشکل هستند، مسئله سختی معیشت هست و مشکلات گوناگون که در زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی بدنبال اینها می‌آید. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۹۶/۱/۱).

حمایت از بنگاه‌های تولید، تأمین سرمایه در گردش، برخورد جدی با کسانی که واحدهای تولیدی آماده‌را، راکد گذاشته‌اند، همه این‌ها کارهای لازمی است که ضرورتاً باید انجام گیرد. یکی از چیزهایی که برای تشکل‌ها به نظر من خیلی مهم است و خوب، فهم وضع کنونی کشور است وضع کشور منظور فقط وضع داخلی و مشکلات موجود در کل کشور می‌باشد. مسائل مربوط به روستاها و عدالت خواهی (نامه رهبر انقلاب به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام، ۹۴/۷/۲۹).

ب. راهکارهای اجرایی توزیع

برای توزیع صحیح در کشور راهکارهای متعددی وجود دارد که به برخی از موارد مهم اشاره می‌شود:

۱. نظارت و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی

از راهکارهای مهم اقتصاد مقاومتی در شکل‌دهی اقتصاد سالم و شکوفا، نظارت و کنترل بر اقتصاد و کارهای تولیدی است. «نظارت بر تولید از سوی دستگاه‌های ناظر، افزون بر آنکه اثر فراوانی در همسو کردن فعالیت‌های اقتصادی و کارهای تولیدی با اولویت‌ها و نیازهای جامعه دارد و مانع از سوءاستفاده تولیدکنندگان از کارهای تولیدی خود می‌شود، در حفظ و ارتقای کیفیت و کنترل قیمت‌ها نیز مؤثر است. نظارت یکی از ارکان حیاتی در ساختارهای حکومتی است. استیفن رابینز، نظارت را این گونه تعریف می‌کند: فرآیند تحت نظر قرار دادن فعالیت‌ها، به منظور حصول اطمینان از اینکه آنها همانگونه که برنامه ریزی شده‌اند، انجام می‌پذیرد...» (سید نژاد، ۱۳۹۱: ۲۷۲).

«نظارت و کنترل، فرآیندی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند.» (پیروز، ۱۳۸۸: ۲۶۷) ضرورت چنین کاری انکارناپذیر است. با این کار، کارگزاران هر جامعه یا سازمانی، به روند انجام کارها اشراف پیدا می‌کنند و از وقوع هرگونه انحراف در مسیر پیگیری اهداف، باخبر می‌شوند و در کوتاه‌ترین زمان، به اصلاح آن می‌پردازند.

در آموزه‌های اسلامی، از جمله مسئولیت‌هایی که برای رهبران جامعه ذکر شده، نظارت کامل بر روند کارهاست. از امام باقر روایت شده است که سیره امام علی اینگونه بود که: «هر روز صبح به تك تك بازارهای کوفه سر می‌زد، در حالی که تازیانه‌ای به همراه داشت. در هر بازاری می‌ایستاد و با صدای بلند ندا می‌داد: ای تجارت کنندگان! پیش از هرداد و سستی، از خداوند خیر و نیکی بطلبید و با آسان‌گیری در معامله، از خداوند برکت مسألت کنید. با خریداران تقرب داشته باشید، گران ن فروشید که آنها از شما فاصله بگیرند و خود را به زینت بردباری آراسته سازید. از دروغ گفتن و سوگند کذب یاد کردن پرهیزید. از ستم‌کناره‌گیری و با مظلومان و درماندگان به انصاف رفتار کنید و به رباخواری نزدیک نشوید. پیمانه و ترازو را دقیق و کامل بگیرید و از اموال مردم چیزی را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۱۰۴/۴۱).

امام علی علیه السلام به کارگزارانشان نیز دستور می‌دادند: «برای نظارت و بازرسی کارها، مأموران را گسیل دارند. برای مثال، به مالک اشتر سفارش می‌کنند: «ثُمَّ تَقَدَّمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثُ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ سپس با فرستادن مأموران راست‌گو و با وفا، کارهای آنان را زیر نظر داشته باش». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی علیه السلام درباره نظارت بر عملکرد کارگزارانش و چگونگی روند کارها، دقت بسیاری داشت، به گونه‌ای که کوچک‌ترین عملکردها از دید او پنهان نمی‌ماند. اعثمان بن حنیف، کارگزار حضرت، در بصره در مهمانی اشرافی شرکت می‌کند، که امام خبردار می‌شود و در نامه‌ای او را توبیخ می‌کند: «گمان نمی‌کردم تو مهمانی افرادی را بپذیری که نیازمندانشان از آن سفره رانده و ثروتمندانشان، دعوت شده اند» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

«دولت اسلامی باید بر فعالیت‌های اقتصادی نظارت داشته باشد تا کارها به گونه‌ای شایسته و در چارچوب مقررات اسلامی، در همه این عرصه‌ها جریان یابد و در صورت بروز هرگونه نابسامانی یا تخلف با دخالت دولت، کارها به روال سالم خود برگردد تا مراحل سرمایه‌گذاری و کار و تولید و توزیع، به شیوه‌ای که با هدفهای نظام اقتصادی هم‌خوانی کامل داشته باشد، با جدیت تمام انجام گیرد» (اختری، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

مورد دیگر، نظارت بر مالکیت است. دولت باید به همه شکل‌های مالکیت نظارت داشته باشد تا مشخص شود، زمین‌هایی که به تملک افراد در آمده است یا از جمله انفال به شمار می‌آید، به خوبی اداره می‌شوند و در بهره‌برداری از آنها و در احیا و آبادسازی آن و مسئولیت‌هایی که در قبالش بر عهده اداره‌کنندگان است، کوتاهی نمی‌شود.



از امام علی در این باره روایت شده است: «هرکس از مسلمانان زمین مواتی را احیا کند و آنرا آباد نگه دارد و خراج آنرا به امام یا اهل بیت بپردازد، هر چه از آن سود می‌برد، مال اوست و اگر زمین را رها کند یا به اهل آن آسیب برساند و مردی از مسلمین آن را پس از او بگیرد و آبادش سازد و در احیای آن بکوشد، به آن سزاوارتر از کسی است که آن را رها کرده است و باید خراج آن را به امام بپردازد» (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۲).

۲. قاچاق و واردات بی‌رویه کالا

از راهکارهای مهم اقتصاد مقاومتی جلوگیری از قاچاق و واردات بی‌رویه کالا است. «نبود نظارت دقیق بر ورود کالاهای قاچاق و رشد بی‌رویه واردات کالاهای خارجی از راه‌های ورودی کشور و عدم توان رقابت سالم برای تولیدکنندگان ایرانی، نه‌تنها انگیزه تولید خلاقیت را از این تولیدکنندگان می‌گیرد، بلکه کالای تولیدی ایرانی در شرایط کیفی مساوی با عدم استقبال در بازارهای عرضه و تقاضای داخلی رو به رو می‌شود. قاچاق کالا عبارت است از نقل و انتقالات مخفیانه کالا از خارج به داخل یا از داخل به خارج کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوط به آنها» (اختری، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

«قاچاق نوعی تجارت کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و پدیده‌ای نامطلوب است که اقتصاد کشور را از مسیر صحیح خارج می‌کند». (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

«دولت هر سال با توجه به امکانات و نیازهای کشور و با هدف ایجاد توازن در پرداخت‌های خارجی، با اتخاذ یک سری سیاست‌های تجاری، حجم واردات و صادرات را معین می‌کند. قاچاق کالا، اینگونه اهداف دولتی را خنثی می‌سازد. زیرا کالاهای قاچاق وارداتی به ناچار دارای هزینه‌های ارزی برای اقتصاد ملی است که در خارج از محاسبات دولت بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود و همچنین قاچاقچیان کالاهای صادراتی که ارز حاصل از صادرات را به سیستم بانکی کشور باز نمی‌گردانند، در واقع به فرار سرمایه از کشور می‌پردازند که در شرایط نیاز کشور به ارز جهت سرمایه‌گذاری، آثار اقتصادی زیانباری را برای اقتصاد کشور همراه دارد». (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

«قاچاق کالا از یک سو هزینه واردات را بیش از حد مورد نظر دولت بالا می‌برد و از سوی دیگر اهداف دولت در تخصیص ارز به واردات کالاهای ضروری و سرمایه‌ای و واسطه‌ای را به منظور رشد تولیدات داخلی مخدوش می‌سازد. زیرا کالاهای قاچاق معمولاً مصرفی و غیر ضروری هستند و تأثیر مثبتی بر رشد تولیدات داخلی ندارند. همچنین بر الگوی مصرف جامعه نیز اثرات نامطلوبی دارند و تولیدات داخلی را نیز با رقابت فشرده تری در بازار داخلی مواجه می‌سازد. لذا قاچاق کالا اساس سیاست‌های بازرگانی دولت و توازن تجاری مورد نظر آن را مخدوش می‌نماید». (اختری، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

پس اقدام‌کنندگان به قاچاق این‌گونه به سرمایه‌ملی ضربه وارد می‌کنند و موجب فرار اموال ملت مسلمان به کیسه بیگانه می‌شوند. از زیان‌های اقتصادی و سیاسی قاچاق کالا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «عدم پرداخت حقوق و عوارض دولتی که کاهش درآمد ملی را به همراه می‌آورد. سودآوری زیاد قاچاق به فساد مالی و اخلاقی منجر می‌شود. صنایع داخلی قادر به رقابت با کالاهای قاچاق نبوده و به تدریج تا مرز ورشکستگی پیش می‌روند. ادامه این روند به وابستگی شدید کشور به صادرات کالاهای خارجی منتهی می‌شود». (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

شکل دیگری از قاچاق کالا، قاچاق حق محرومان است که در شرایط کمیابی و ایجاد بازار سیاه به وجود می‌آید. «در موقعیتی که کالاهای مصرفی کمیاب می‌شود و باید به ضرورت نیازمندان پرداخته شود، کسانی برخلاف عدالت و شرافت و مردانگی، کالاهای مصرفی تولید شده در داخل توسط کارخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و تحت پوشش را به جای توزیع براساس عدالت و رساندن به‌دست نیازمندان، توسط دلالان و سودجویان وارد بازار سیاه کرده و به قیمت‌های به مراتب بالاتر از قیمت‌های دولتی به فروش می‌رسانند. بخشی از منافع حاصل از اینراه به جیب رؤسا و مدیران کارخانه‌ها، و بنیادها و صنایع تحت پوشش رفته و بخش دیگری نصیب واسطه‌ها می‌شود». (اختری، ۱۳۹۲: ۱۶۸) و این کار، گونه بسیار زشت از قاچاق حق مردم است که بیشتر اشخاص محروم را تحت فشار قرار داده و حق آنها را ضایع می‌کند. چنین سودی حلال نیست.

در روایت آمده است: «روزی امام صادق علیه السلام خدمتکار خود، مصادف، را فراخواند و به او هزار دینار داد تا با سفر به مصر، با آن تجارت کند. وی با کاروانی تجاری به آنجا رفت. نزدیک مصر، کاروانیان از نایاب بودن کالای تجاری خود- که استفاده عمومی داشت- آگاهی یافتند. از این رو، با یکدیگر هم داستان شدند که آن را با سود دینار به دینار [صد درصد] بفروشند. مصادف، پس از پایان تجارت، به مدینه بازگشت و دو کیسه پول، هر کدام حاوی هزار دینار، نزد امام گذاشت، یکی اصل سرمایه و دیگری سود آن. امام فرمود: سود زیادی است، چه کردید؟ پس از شنیدن ماجرا، فرمود: سبحان الله، علیه گروهی مسلمان هم پیمان گشتید که جز با سود دینار به دینار نفروشید! آن‌گاه امام یکی از دو کیسه را برداشت و فرمود: این سرمایه من است، و به دیگری نیازی نیست. پس فرمود: یا مصادف مُجَالِدَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ». (کلینی، ۱۴۱۳: ۱۶۱/۵) مبارزه با شمشیر، از جستجوی [روزی] حلال آسانتر است.

بنابراین، سودهای بادآورده‌ای که گاه از راه تجارتی صوری یا انحصار، بازارسیاه و گران‌فروشی به‌دست می‌آید، در تجارت مطلوب اسلام جایی ندارد.



۳. حذف واسطه‌های غیر ضروری

امروزه یکی از دلایل افزایش قیمت‌ها و فشار بر اقشار ضعیف جامعه وجود واسطه‌های غیر ضروری است. «هر چه تعداد واسطه‌ها بیشتر باشد؛ از یک سو، هزینه تمام‌شده کالاها بیشتر خواهد شد. چون طبیعتاً هر کدام مبلغی بر آن می‌افزاید و این امر موجب بالا رفتن قیمت نهایی کالا و فشار بر اقشار ضعیف می‌گردد.

از سوی دیگر «به خاطر اینکه واسطه‌ها نسبت به تولیدکنندگان از سود بیشتری برخوردار می‌شوند باعث بی‌انگیزه شدن تولیدکنندگان نسبت به کار می‌شود و در نتیجه کشور با کمبود تولید مواجه می‌گردد. از دیدگاه اسلام، تجارت، کار و تلاشی است برای انتقال کالاها از مراکز تولیدی به دست مصرف‌کنندگان که افزون بر صرف نیروی انسانی، نیازمند سرمایه‌گذاری است. از این رو، سود حاصل از آن، مشروع می‌باشد. این در حالی است که واسطه‌های غیرلازم، نه تنها خدمتی انجام نمی‌دهد بلکه عامل افزایش قیمت‌هاست.» (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

در آموزه‌های اقتصادی اسلام، نفی واسطه‌گری با این عناوین یاد شده است:

اول: نهی از تلقی رُکبان

تلقی رُکبان یکی از موارد واسطه‌گری محسوب می‌شده است. «در زمان رسول خدا، گروهی سودجو که سرمایه‌های کلان داشتند، پیش از ورود کاروان‌های تجاری به مدینه و با آگاهی از قیمت‌ها، به استقبال آنان می‌رفتند و اجناس آنها را خریداری می‌کردند. سپس به شهر باز می‌گشتند و کالاهای خریداری شده را به ب‌های گزاف، می‌فروختند. اینکار که از آن به تلقی رُکبان یاد می‌شود، دو مفسده در پی داشت: نخست آنکه کاروان‌های تجاری، مغبون و متضرر می‌شد، و دوم این که بازار کالاها، در انحصار سودجویان قرار می‌گرفت و قیمت‌ها افزایش می‌یافت، که این به زیان تولیدکنندگان، بازرگانان و مصرف‌کنندگان بود.» (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۰۸) از اینرو پیامبر از این کار نهی فرمود: «لَا يَتَلَقَى أَحَدُكُمْ تِجَارَةً حَارِجاً مِنَ الْمِصْرِ وَلَا يَبِيعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ وَالْمُسْلِمُونَ يُوزُقُ اللَّهُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ: هیچ یک از شما نباید برای استقبال از کاروان تجاری، از شهر خارج شود... خداوند روزی برخی مسلمانان را به دست برخی دیگر نهاده است» (کلینی، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۵).

دوم: ممنوعیت نیابت شهری از روستایی

ممنوعیت نیابت شهری از روستایی بدین معناست که شهرنشین‌ها، واسطه برای فروش جنس‌های روستایی‌ها نشوند. پیامبر اکرم ﷺ در نهی از اینکار می‌فرماید: «لَا يَتَلَقَى أَحَدُكُمْ تِجَارَةً حَارِجاً مِنَ الْمِصْرِ وَ

لَا يَبِيعُ حَاضِرٌ لِبَايَةٍ وَ الْمُسْلِمُونَ يَرْزُقُ اللَّهُ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ نباید شهرنشین، واسطه فروش [اجناس] بادیه نشین گردد، خداوند برخی از مسلمانان را روزی رسان برخی دیگر، می نهد». (مجلسی، ۱۳۷۴: ۴۲۲/۳۳).

این حکم به این دلیل است که اغلب افراد روستایی از قیمت اجناس در شهرها کاملاً مطلع نبوده‌اند و این مساله، موجب سوء استفاده افراد سودجو را در پی داشته است. مطابق آنچه بیان گردید، سودهای فراوانی که از راه واسطه‌گری به سودجویان می‌رسد، هرگز به اسم تجارت قابل توجیه نیست.

بنابراین علل نهی از تلقی رکبان یا واسطه‌های غیر ضروری عبارت است از:
اول: کاهش قیمت‌ها.

دوم: حکم توزیع ثروت بین تولیدکننده و مصرف‌کننده با برداشتن واسطه‌ها.
سوم: جلوگیری از احتکار، انحصار و کنترل بازار بوسیله عده‌ای خاص است که اکثراً سودجو هستند و موجب اختلال در نظم عمومی بازار می‌شوند.

ج. موانع توزیع عادلانه

۱. احتکار

از جمله موانع توزیع عادلانه احتکار است. «احتکار در اصل به مفهوم جمع و امساک است. سپس در معنایی مجازی، به کار رفته است، از جمله جمع و نگه‌داری طعام و مانند آن به انتظار زمان گرانی». (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۲۰۸/۴).

احتکار عبارت است از جمع‌آوری و انبار کردن آذوقه به امید بالا رفتن قیمت، در صورت ضرورت و نیاز جامعه و عدم عرضه آن به قدر کافی. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ۵۰۱/۱)

یکی از عوامل انحراف بازار از حالت تعادل، ناپدید شدن بخشی از تولید در قلمرو عرضه است. در این صورت، با توجه به چرخه درآمدی، کارگرانی که در تولید آن کالاها نقش داشته‌اند پس از کسب درآمد خود، توان تقاضا می‌یابند. بنابراین در موقعیتی که عرضه کل آسیب دیده است، تقاضای کل بالا می‌رود و قیمت فزونی می‌یابد. اگر چنین رفتاری در سطح وسیع و گسترده کالاهای گوناگون رواج پیدا کند، اقتصاد در گرداب تورّم فرو می‌رود (هادوی نیا، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

«احتکار، موجب می‌شود که بخشی از کالای عرضه شده به بازار از دسترس مردم خارج گردد، توازن عرضه و تقاضا به هم بخورد، سطح قیمت‌ها بالا رفته و قدرت خرید مردم کاهش یابد در نتیجه،



اقتدار مستضعف و آسیب پذیر جامعه دچار زیان و تنگدستی بیشتر گردند. به همین دلیل، اسلام، احتکار را تحریم کرده و محترکان را مورد نکوهش قرار داده است. حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مشهور خود به مالک اشتر، ضمن تجلیل از بازرگانان و بیان ارزش و اهمیت کار ایشان، مالک را به زیان‌های احتکار توجه داده و به او دستور می‌دهد تا محترکان را کیفر دهد». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۳/۱۲).

آن حضرت می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَ شُحًّا قَبِيحًا، وَ اخْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مَصْرَّةٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوُلَاةِ، فَامْتَنِعْ مِنَ الْاِخْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنَعَ مِنْهُ، وَ لِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمِحًا، يَمْوَزِينِ عَدْلٌ، وَ أَسْعَارٌ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُتَبَاعِ، فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ تَهْيِئِكَ إِيَّاهُ، فَتَكَلَّلَ بِهِ وَ عَاقِبَهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ، وَ - با این همه - بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معامله‌ای بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند، سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که بخواهند می‌فروشند و این سودجویی و گران‌فروشی‌زیانی است برای همگان و عیب است بر زمامداران». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

پس «باید از احتکار مانع شوی؛ زیرا رسول خدا از آن منع می‌فرمود. و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد. با نرخ‌های - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار. و آن کس که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان و در کیفر او زیاده‌روی مکن».

۲. کم‌فروشی و اجحاف

کم‌فروشی و اجحاف از موانع اخلاقی اقتصاد مقاومتی است. به‌عنوان مثال فروشندگان مختلف، هر روز در بازارهای مختلف، میلیون‌ها تن کالا را به‌صورت بسته‌بندی در اختیار خریداران قرار می‌دهند که اغلب مقدار کالای بسته‌بندی شده کمتر از مقدار واقعی آن است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يَخْسِرُونَ»؛ «وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند». (مطففین: ۱-۳)

مکارم شیرازی در این زمینه بیان می‌کند: «مسأله کم‌فروشی تعمیم داده می‌شود به گونه‌ای که هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظائف را شامل می‌شود، به این ترتیب کارگری که از کار خود کم می‌گذارد، آموزگار و استادی که درست درس نمی‌دهد کارمندی که به موقع سر کار خود حاضر نمی‌شود و دلسوزی لازم را نمی‌کند، همه مشمول این حکمند و در عوالب آن سهیمند» (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۳/۱۲).

بدیهی است افراد و شرکت‌های فروشنده از طریق تولید و توزیع انبوه، در عین به‌دست آوردن سودی فراوان، ظلم فاحشی نیز مرتکب می‌شوند. که دولت باید جلوی عواهل ایجاد و رشد این مفساد اقتصادی را بگیرد تا در شتاب رشد اقتصادی مشکلی پیش نیاید..

۳. فساد اداری

واژه «فساد» به معنای «تباهی، ویرانی، نابودی، فتنه، آشوب، ستم، بدکاری، بیماری، گندیدگی، خشکسالی، نیستی و پوسیدگی است». (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸۴/۹).

فساد اداری: «فساد اداری عبارت است از استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی» (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۴). «ساموئل هانتینگتون فساد اداری را این گونه تعریف می‌کند: فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش دولتی اطلاق می‌شود که برای منافع خصوصی خود، ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند» (خدمتی، ۱۳۹۳: ۱۱).

مصادیق فساد اداری

فساد اداری عبارتست از: زیر پا گذاشتن قوانین و ضوابط مدون که چهارچوب فعالیتهای مجاز کارکنان جهت جلب منافع شخصی را تعیین می‌کند و دارای مصادیق متعدد است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

یک: بی انضباطی و ضعف وجدان کاری

این نوع فساد را در رفتارهایی مانند «ترك خدمت در ساعات موظف اداری، تأخیر در ورود و تعجیل در خروج از سازمان، کوتاهی در انجام وظایف محوله، و مانند آن می‌توان مشاهده کرد که باعث پایین بودن کیفیت عملکرد و محصولات، نارضایتی ارباب رجوع و طولانی شدن زمان رسیدگی به پرونده‌ها و درخواستها، می‌شود» (رمضانی، ۱۳۸۳: ۴۱).

دو: رشوه

«رشوه، چیزی است که فرد به حاکم یا غیر او می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا آنچه می‌خواهد آن را انجام دهد». (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۵۲/۶).

رشوه گناه بزرگی محسوب می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، «و اموال خود را بین خود به باطل نخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را (به‌عنوان رشوه) به حکام ندهید، با اینکه



می‌دانید این عمل حرام است» (بقره: ۱۸۸).

پیامبر اکرم در این زمینه می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ وَالْمَاشِيَ بَيْنَهُمَا، خداوند گیرنده و دهنده‌ی رشوه و آن کس را که واسطه میان آن دو است از رحمت خود دور گرداند» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۲۷۴/۱۰۱).

از پیامدهای رشوه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«تجاوز به حقوق مردم و پایمال نمودن حقوق محرومان، پذیرش افراد نالایق و غیرکارا و طرد لایق‌ها و کاردانان و در نتیجه افت خدمات عمومی و دولتی، نابود شدن اصول اخلاقی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و رواج بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی و کم‌کاری در سیستم اداری کشور، تخریب اخلاق اجتماعی و ایجاد یأس و نومیدی در اقشار جامعه نسبت به کارگزاران نظام، مانعیت از رشد و کار مولد و سوق دادن جامعه به سوی انحطاط و بروز روحیه کفر و شرک و حرام خواری و تعطیل سرمایه‌گذاری‌های سالم اقتصادی» (خدمتی، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

سه: اختلاس

«اختلاس به تصاحب همراه با سوء نیت اموال دولت یا اشخاص توسط کارمند دولت که به حکم وظیفه در اختیار وی قرار داشته است، به نفع خود یا دیگری، گفته می‌شود». (رمضانی، ۱۳۸۳: ۴۳)

خداوند، خوردن مال دیگران را که از راه مشروع نباشد، باطل و ناروا دانسته و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است». (سوره نساء: ۲۹).

چهار: رانت خواری

رانت (مفت) خواران افراد حقیقی یا حقوقی هستند که «بدون انجام کار مفید و حتی مضر به حال اقتصاد کشور، به ازای پرداخت رشوه و پارتی بازی به امتیاز نامه‌های انحصاری دولتی دسترسی می‌یابند و ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای کسب می‌کنند. رانت نشانگر درآمدهایی بیشتر از درآمدی است که در غیر این صورت تحصیل می‌شد. رانت خواهی زمانی تحقق می‌پذیرد که برخی، منابع را هم برای مقاصد تولیدی و هم به منظور کسب امتیازی برای تقسیم منافع اقتصادی بخواهند»

(کاکس، ۱۳۸۱: ۲۹۳).

یکی از مصادیق رانت‌ها، رانت اطلاعاتی است. «رانت اطلاعات، معمولاً در اختیار مدیران، وابستگان نزدیک آنها و مشاوران و رؤسای دفترهاست. در رانت اطلاعات، از فاصله‌ی زمانی بین اتخاذ یک تصمیم تا اعلام عمومی و اجرای آن، سوء استفاده می‌شود. عده‌ای از طریق دست‌یابی زودرس یا خرید این اطلاعات در زمینه تغییرات قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری، سود کلان به دست می‌آورند. نبود اطمینان از چنین اعمالی، صاحبان سرمایه را به طرف فعالیت‌های اقتصادی کاذب مانند خرید تلفن همراه، اتومبیل، ارز، سکه و ملک سوق می‌دهد؛ در نتیجه، سرمایه‌ها از بخش توسعه اقتصادی و عمرانی خارج می‌شود. رانت اطلاعات، در تصمیمات کلان مالی، از جمله تغییرات نرخ ارز، تعیین لیست صادرات و واردات مصداق می‌یابد». (رمضانی، ۱۳۸۳: ۵۲).

حضرت علی به مالک اشتر توصیه می‌کند که «مواظب اطرافیان خویش باشد و هیچ‌گونه رانت و امتیاز ویژه‌ای در اختیار آنها قرار ندهد؛ طوری که باعث شود دیگر مردم از این کار متضرر شوند» ایشان می‌فرماید: «به هیچ یک از اطرافیان و بستگان خود، زمینی از زمین‌های مسلمانان وامگذار، و آنان نباید طمع داشته باشند که قراردادی با آنها منعقد سازی که مایه ضرر سایر مردم باشد، خواه در آبیاری یا یک کار مشترک دیگر، طوری که هزینه‌های آنرا بر دیگران تحمیل کنند؛ که در این صورت، سود و منفعت این کار برای آنهاست نه برای تو، اما عیب و ننگ آن در دنیا و آخرت برای توست». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

علل و عوامل فساد اداری

یک: پایین بودن سطح حقوق و دستمزد

پایین بودن سطح حقوق و دستمزد موجب فساد می‌شود. «درآمد کم و ناتوانی از تأمین هزینه‌های زندگی، انگیزه‌ی سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری و اخذ رشوه از مردم یا استفاده‌ی شخصی از اموال بیت المال را در گروهی از کارمندان که از ایمان و تعهد کافی برخوردار نیستند، پدید می‌آورد».

امام علی علیه السلام در بخشی از عهد نامه مالک، موضوع نیازهای معیشتی کارگزاران رای از وظایف مهم می‌داند و بیان می‌کند: «ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنًى لَهُمْ عَنِ تَسْأُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ؛ پس روزی کارکنانت را به صورت کامل تأمین کن، چرا که فراخی روزی به آنها کمک خواهد کرد که خود را اصلاح کنند، و از دست بردن در اموالی که در اختیار آنان است، بی‌نیازشان می‌کند و اگر از فرمانت سرپیچی کرده و در امانت تو



خیانت ورزند حجّتی بر علیه آنان است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

دو: فقدان نظارت کافی

فقدان نظارت کافی از عوامل فساد اداری است که موجب نارسایی در سیستم‌های ارزیابی، کنترل و بازرسی است. «این مسأله از يك سو محیط ادارات و سازمانها را برای افراد متخلّف، امن می‌کند و جسارت آنها را در گسترش دامنه تخلف و قانون شکنی شدّت می‌بخشد و از سوی دیگر کارکنان متعهد، منضبط، دلسوز و پر تلاش را دلسرد می‌کند و همان وضعیتی را پیش می‌آورد که امام علی نسبت به آن هشدار داده بودند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۱۲۳). ایشان به مالک اشتر فرموده اند: «نباید تباه کاران و نیکوکاران در نزد تو منزلت مساوی داشته باشند، زیرا این امر از يك سو موجب جسارت بیشتر تباه کاران و از سوی دیگر باعث دلسردی نیکوکاران خواهد شد». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

سوم: مبارزه با فساد اداری

مبارزه با فساد اداری از شیوه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی است و راهکارهای مناسبی نیاز دارد که عبارت است:

۱. احیا و تقویت فرهنگ دینی و ارزش‌های اخلاقی

«یکی از راه‌های جلوگیری از به وجود آمدن فساد و گسترش آن در جوامع و سازمانها را می‌توان، احیای فرهنگ دینی در جامعه و تقویت ارزش‌های اخلاقی در میان مردم و کارگزاران حکومتی برشمرد. تقویت باورها و اعتقادات دینی و گسترش و تعمیق ارزش‌های معنوی و اخلاقی نیز می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در ارتقای سلامت اداری ایفا کرده و زمینه و بستر مناسب برای پیشگیری از فساد اداری را فراهم آورد. ایمان به خدا و باور به ارزش‌های والای دینی، و پایبندی به قوانین و مقررات دین، مسیر زندگی انسان را تغییر داده و او را در راه صحیح و منطقی قرار می‌دهد و ارتکاب انواع مفاسد مصون می‌دارد» (خدمتی، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

بلید گفت تأثیر ایمان، ارزش‌های اخلاقی و باورهای مذهبی در جلوگیری و مبارزه با فساد اداری، موثر است و هر میزان این ارزش‌های اخلاقی و باورهای مذهبی، پایدارتر باشد، فرد در ارتکاب مفاسد اداری مصون تر است. حضرت علی علیه السلام کارگزاران خود را به این مسأله هشدار داده اند. به عنوان مثال: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّكَ مِمَّنْ اسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَ أَقْمَعُ بِهِ نَحْوَةَ الْأَيْمِمْ وَ أَسُدُّ بِهِ لِهَيْأَةِ الشُّعْرِ الْمَخُوفِ فَاسْتَعِزْ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ وَ اخْلِطِ الشَّدَّةَ بِضَعْفٍ مِنَ اللَّيْنِ وَ ارْزُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَرِمْ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا يَغْنَى عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ وَ الْإِسَارَةِ وَ

التَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَلَا يِيَّاسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَذْلِكَ وَالسَّلَامُ» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۴۸۲/۳۳) «اما بعد، تو از کسانی هستی که من برای به پاداشتن دین از آنها کمک می‌گیرم و سرکشی و خودستایی گناهکاران را به وسیله آنان درهم می‌کوبم، و مرزهایی را که در معرض خطر قرار دارد به وسیله آنها حفظ می‌کنم؛ بنابراین تو در مورد آنچه برایت مهم است از خدا کمک بگیر و سخت‌گیری را با کمی نرمش بیامیز در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، اما آنجا که جزء با شدت عمل کار به پیش نمی‌رود، شدت را به کار بند. در برابر مردم فروتن باش و با چهره گشاده با آنان رو برو شو و نرم‌خویی نسبت به آنان را نصب‌العین خود قرار ده. و در نگاه با گوشه چشم یاخیره شدن در آنها و نیز در اشاره کردن به آنها و تحیت و سلام دادن به آنها، میان آنان مساوات را رعایت کن؛ تابزرگان و زورمندان در تبعیض و ستم تو طمع نورزند و ضعیفان و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند؛ والسلام».

۲. نظارت و کنترل دقیق، جامع و قوی

«در صورت وجود نظارت و کنترل دقیق، جامع و قوی، بسیاری از بسترها و زمینه‌های ایجاد و گسترش مفاسد مختلف اداری از جمله رشوه، اختلاس، رانت خواری و استفاده نابجا از موقعیت سازمانی، از بین می‌رود و میزان سلامت و رشد نظام اداری افزایش می‌یابد».

امیر مؤمنان علی در نامه خود به مالک، به ضرورت نظارت و کنترل بر عملکرد کارکنان نظام اداری در حکومت اسلامی توصیه فرمودند: «ثُمَّ تَقْفُدْ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَةِ، پس با فرستادن مأموران مخفی راستگو و با وفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر؛ زیرا بازرسی مداوم پنهانی، سبب می‌شود آنها به امانتداری و مدارا با مردم، ترغیب شوند» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۶۰۶/۳۳).

۳. پاکسازی نظام اداری از افراد فاسد

از راهکارهای مبارزه با مفاسد اداری، پاکسازی نظام اداری از افراد فاسد و ناسالم و برکناری کارکنان و مدیران خائن و مبتلا به فساد می‌باشد. «اینگونه افراد علاوه بر اینکه خود مبتلا به فساد بوده و سلامت نظام اداری را با مخاطره مواجه می‌کنند، زمینه را برای ابتلای کارکنان دیگر به فساد نیز فراهم می‌آورند و دیگران را نیز به ارتکاب مفاسد اداری مثل رشوه، اختلاس، کم‌کاری تشویق می‌کنند. پاکسازی نظام اداری از افراد مبتلا به فساد می‌تواند میزان سلامت اداری را افزایش داده و جلوی فساد اداری را گرفت» (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۲۸).

عزل منذر بن عبدی فرماندار امام علی علیه السلام توسط ایشان گویای اهمیت ویژه امام علی در این زمینه است. امام در نامه‌ای به او، وی را برکنار کرد: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ صَلَاحَ أَبِيكَ عَزَنِي مِنْكَ وَظَنَنْتُ أَنَّكَ تَتَّبِعُ



هَدِيَةٌ وَ تَسْلُوكٌ سَبِيلُهُ فَإِذَا أَنْتَ فِيهَا رُفِي إِلَىٰ عِنَّا لَا تَدْعُ لِهَوَاكَ انْقِيادًا وَلَا تُبْقِي لِأَخْرَجِكَ عَتَادًا تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ أَخْرَجِكَ وَ تَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ وَ لَيْسَ كَانَ مَا بَلَّغَنِي عِنَّا حَقًّا لَجَمَلِ أَهْلِكَ وَ شِسْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَسَدَّ بِهِ نَعْرًا أَوْ يَنْقُدَ بِهِ أَمْرًا أَوْ يَعْلى لَهُ قَدْرًا أَوْ يُشْرِكَ فِي أَمَانَةٍ أَوْ يُؤْمِنَ عَلَيَّ جَبَايَةً فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا؛ اما بعد، شایستگی پدرت مرا به تو خوش بین ساخت و گمان کردم که تو هم پیرو هدایت او هستی و به راه او می‌روی؛ ناگهان به من خبردادند که تو در پیروی از هوا و هوس فروگذار نمی‌کنی و برای آخرت خود چیزی باقی نگذاشته‌ای، دنیایت را با ویرانی آخرت آباد می‌سازی و پیوند با خویشاوندانت را به قیمت بریدن دین خود برقرار می‌کنی و اگر آنچه از تو به من رسیده است، درست باشد، شتر خانواده ات و بند کفشت از تو بهترند و کسی که مانند تو باشد نه شایستگی این را دارد که حفظ مرزی را به او بسپارند و نه کاری به وسیله او انجام دهند، یا قدرش را بالا برند و یا در امانتی او را شریک سازند و یا در جمع آوری حقوق بیت المال به او اعتماد کنند؛ با رسیدن این نامه به سوی من حرکت کن» (نهج البلاغه، نامه ۷۱).

نتیجه‌گیری

بشر برای توزیع پس از تولید دو گونه منبع در اختیار دارد یکی منابع و مواد اولیه و دیگری کار که با کار و تلاش مواد اولیه را تغییر داده و کالا تولید کند. عوامل توزیع نیز همین طبیعت و سرمایه، کار هستند. در زمینه توزیع، بعد از هجرت پیامبر از مکه به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، پیامبر اکرم ﷺ اقدام به برنامه ریزی در جهت تولید و اشتغال هر چه بیشتر مسلمانان نمود و کوشید تا با بهره‌گیری از حداکثر تولید و فعالیت‌های مختلف اقتصادی، امت اسلامی را به کار و کوشش واداشته و اسباب اشتغال ایشان را فراهم آورد. در مبحث توزیع عدالت اقتصادی مورد توجه قرآن کریم است، مقام معظم رهبری نیز در فرمایشات خود آن را مد نظر قرار داده است که از مصادیق آن می‌توان به توزیع عادلانه ثروت‌های خدادادی، بهره‌وری درست و گردش آزاد ثروت و... از ملاک‌های آن است. برای مسأله توزیع راهکارهای متعددی نیز وجود دارد مانند نظارت و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی، قاچاق و واردات بی‌رویه کالا، حذف واسطه‌های غیر ضروری.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۲. احسانی، محمد، شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن، قم: مرکز پژوهش های صدا و سیما، اول، ۱۳۹۰ش.
۳. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی/فارسی، تهران: نشر نی، هشتم، ۱۳۸۶ش.
۴. اسحاقی، حسین، مولفه های مدیریت جهادی: صمیمانه با مدیران، تهران: سازمان سمت، ۱۳۸۵ش.
۵. آقا نظری، حسن، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چهارم، ۱۳۸۹ش.
۶. ایروانی، جواد اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۴ش.
۷. بانک جامع بیانات مقام معظم رهبری - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان علمی ۹۶/۷/۲۶.
۸. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، اخلاق اقتصادی، تهران: اداره آموزش های عقیدتی، سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، ۱۳۷۶ش.
۹. تیمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰ش.
۱۰. حرّانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول. ترجمه: احمد جنتی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
۱۱. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة الی تحصیل الشریعة. قم: آل البيت. اول، ۱۴۰۹ق.
۱۲. حکیمی، اخوان، الحیات، ترجمه احمد آرام، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: دارالقلم. اول، ۱۴۱۶ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین خلاصه تعالیم اسلام. به کوشش: داوود الهامی، تهران: کعبه، ۱۳۹۰ش.



۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد العین. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات. اول، ۱۴۴۰ق.
۱۸. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۹. فلسفی، محمدتقی، الحدیث روایات تربیتی، ج ۱، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم جواد مصطفوی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، حلیۃ المتقین، قم: هجرت، هشتم، ۱۳۷۴ش.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث. ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۲ش.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ش.
۲۶. مراغی، احمد بن المصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۴۰ق.
۲۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۸. معمارنژاد، عباس، اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش ۱، ۱۳۸۴ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۰. میرمعزی، سید حسین، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۳۱. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، نسخه دیجیتالی، ۱۳۹۷ش.
۳۲. نوعی پور، بهروز، مدیریت دانش، نشریه شبکه. شماره ۴۵، ۱۳۸۳ش.
۳۳. هندی، علاءالدین علی متقی، کنز العمال، بیروت: موسسه رسالت، ۱۴۳۸ق.

Bibliography

1. Agha Nazari, Hassan, *Nazariyeh-pardazi-ye Eqtesad-e Eslami (The Theorizing of Islamic Economics)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 4th Edition, 1389 SH (2010 CE).
2. Azarnoosh, Azartash, *Farhang-e Mo'aser Arabi/Farsi (Contemporary Arabic/Persian Dictionary)*, Tehran: Nashr Ney, 8th Edition, 1386 SH (2007 CE).
3. Comprehensive Bank of Statements of the Supreme Leader, *Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Young Scientific Elites*, 26/7/1396 SH (October 18, 2017 CE).
4. Daylami, Hassan bin Mohammad, *Iršād al-Qulūb ilā aṣ-Ṣawāb (Guidance of the Hearts to the Righteousness)*, Qom: Al-Sharif al-Radhi, 1412 AH (1991 CE).
5. Ehsani, Mohammad, *Shakhesha-ye Tarbiati-ye Jihad-e Eqtesadi az Manzar-e Quran (Educational Dimensions of Economic Jihad from the Perspective of the Quran)*, Qom: Markaz Pazhuheshat-e Seda wa Sima, 1st Edition, 1390 SH (2011 CE).
6. Eshaqi, Hossein, *Moalfehaye-e Modiriyat-e Jahadi: Samiman ba Modiran (Dimensions of Jihadist Management: Sincerity with Managers)*, Tehran: Sazman-e SAMT, 1385 SH (2006 CE).
7. Fahidi, Khalil bin Ahmad, *Al-'Ayn*, Edited by Mahdi Mokhazoomi and Ibrahim Samorrei, Beirut: Institute of al-A'jami Press, 1st Edition, 1440 AH (2018 CE).
8. Falsafi, Mohammad Taqi, *Al-Hadith Rawayat Tarbiati (Narrations on Education)*, Vol. 1, Tehran: Nashr-e Farhang-e Islami, 1368 SH (1989 CE).
9. Hakimi, Brothers (Akhawan), *Al-Hayat (The Life)*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Nashr-e Farhang-e Islami, 1380 SH (2001 CE).
10. Harrani, Hassan bin Ali bin Shu'bah, *Tuhaf al-'Uqul (The Gifts of Intellects)*, Translated by Ahmad Jannati, Tehran: Amir Kabir, 1382 SH (2003 CE).
11. Hindi, Alaa al-Din Ali Muttaqi, *Kanz al-'Ummal (Treasure of Doers)*, Beirut: Institute of Resalat, 1438 AH (2017 CE).
12. Hurr Amili, Mohammad, *Wasail al-Shia ila Tahsil al-Shari'a (The Means of the Shia to Attain the Sharia)*, Qom: Al al-Bayt, 1st Edition, 1409 AH (1988 CE).
13. Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Vol. 9, Beirut: Dar al-Ta'aruf li al-Matbuat, 1419 AH (1998 CE).
14. Irvani, Javad, *Akhlaq-e Eqtesadi az Didgah-e Quran va Hadith (Economic Ethics from the Perspective of the Quran and Hadith)*, Mashhad: Daneshgah-e 'Olum-e Razavi, 1384 SH (2005 CE).
15. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Furu' min al-Kafi (The Branches from al-Kafi)*, Beirut: Dar al-Adwa', 1413 AH (1992 CE).



16. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Usul al-Kafi (The Principles of al-Kafi)*, Translated by Javad Mostafavi, Beirut: Dar al-Adwa', 1413 AH (1992 CE).
17. Ma'marnejad, Abbas, "*Eqtesad-e Danesh Bonyan: Elazamat, Namagharha, Moqaiyyat Iran, Chalesha va Rahkarha (Knowledge-Based Economy: Imperatives, Actors, Iran's Location, Challenges, and Solutions)*", *Eqtesad va Tejarat-e Novin Journal*, No. 1, 1384 SH (2005 CE).
18. Majlisi, Mohammad Baqir, *Hilyat al-Muttaqin (The Adornment of the Pious)*, Qom: Hijrat, 8th Edition, 1374 SH (1995 CE).
19. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1374 SH (1995 CE).
20. Maraghi, Ahmad bin al-Mustafa, *Tafsir al-Maraghi*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1440 AH (2019 CE).
21. Mirmoazzi, Seyyed Hossein, *Eqtesad-e Kalan ba Ravak-e Eslami (Macroeconomics with an Islamic Approach)*, Tehran: Islamiyyah Press, 1391 SH (2012 CE).
22. Mohammadi Rey Shahri, Mohammad, *Meezan al-Hikmah (The Scale of Wisdom)*, Translated by Hamidreza Shaykhi, Qom: Dar al-Hadith, 1385 SH (2006 CE).
23. Mohammadi Rey Shahri, Mohammad, *Tose'e Eqtesadi bar Paye Quran va Hadith (Economic Development Based on the Quran and Hadith)*, Translated by Seyyed Abolqasem Hosseini, Qom: Dar al-Hadith, 1382 SH (2003 CE).
24. Mostafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation of Words of the Holy Quran)*, Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Kitab, 1360 SH (1981 CE).
25. Naraqi, Mohammad Mehdi, *Jame' al-Sa'adat (The Collection of Felicities)*, Markaz-e Tahqiqat-e Rayaneh-ye Qaemiyeh-ye Isfahan, Digital Version, 1397 SH (2018 CE).
26. Noueipour, Behrouz, *Modiriyat-e Danesh (Science of Management)*, Shabakeh Journal, No. 45, 1383 SH (2004 CE).
27. Qira'ati, Mohsen, *Tafsir-e Noor (Tafsir Noor)*, Vol. 5, Tehran: Islamiyyah Press, 1375 SH (1996 CE).
28. Raghīb Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Mufradat Alfadh al-Quran (Lexicon of Quranic Words)*, Edited by Safwan Adnan Dawoodi, Damascus: Dar al-Qalam, 1st Edition, 1416 AH (1995 CE).
29. Research Institute of Islamic Studies, *Akhlaq-e Eqtesadi (Economic Ethics)*, Tehran: Edareh Amuzesha-ye Aqidati, Siyasi Namayandegi-e Vali-e Faqih Dar Sepah, 1st Edition, 1376 SH (1997 CE).

30. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quran Interpretation)*, Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamadani, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 4th Edition, 1365 SH (1986 CE).
31. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Khalaseh-e T'aalimat-e Islam (Summary of Islamic Teachings)*, Compiled by Dawood Ilhami, Tehran: Ka'beh, 1390 SH (2011 CE).
32. Tamimi Amodi, Abdul Wahid, *Ghorar al-Hikam wa Durar al-Kalam (Exalted Aphorisms and Pearls of Speech)*, Tehran: Entesharat-e SAMT, 1380 SH (2001 CE).
33. Tusi, Mohammad bin Hassan, *Tahdhib al-Ahkam (Refinement of Rulings)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1365 SH (1986 CE).

